



دوتارنواز شهرک شهیدباهنر اینبار هنرش را در قاب تصویر به نمایش گذاشته است

از اجرای تلویزیونی تانقش آفرینی در فیلم



دیدار آشنا

● وقتی دوتارنواز، بازیگر می شود

شاید خودش هم فکرش را نمی کرد که روزی جلو دوربین فیلم برداری قرار بگیرد و نقش بازی کند، اما زندگی همیشه چیزهایی برای شگفت زده کردن دارد. سعید احمد، این بار نه با دوتار که با بازیگری، مهمان قاب تلویزیون شده است. او از طرف عباس مهاجران، یکی از تهیه کننده های شبکه خراسان، پیشنهادی برای ایفای نقش در فیلم مستند «پزشکان» را دریافت کرده است.

فیلم درباره کودکی است که دچار یک بیماری خاص می شود و در بیمارستان اکبر مشهد بستری می شود. سعید احمد نقش پدر این کودک را بازی می کند؛ پدری ساده، نگران و عاشق که بی وقفه کنار فرزندش می ماند. فیلم برداری در درو روز انجام شده است و بیشتر صحنه ها در فضای بیمارستان ضبط شده اند.

سعید احمد می گوید: اولش فکر می کردم نمی توانم جلو دوربین راحت باشم. اما اجراهایی که قبلا با گروه داشتیم به من کمک کرد. انگار حس صحنه را می شناختم. وقتی لباس آن پدر را پوشیدم، خود به خود رفتم توی نقش. حس خاصی داشت، یک جور غم قشنگ، یک دلتنگی عمیق...

انگار واقعا پدر آن بچه بودم. این فیلم مستند به زودی از شبکه خراسان پخش می شود. شاید این شروع مسیری تازه برای هنرمندی باشد که همیشه با صداقت و بی ادعازنگی کرده؛ چه روی صحنه موسیقی، چه جلودوربین.

در استودیوی شبکه جام جم ضبط شد؛ اجرایی در وصف امام رضا(ع) که بعد از پخش با واکنش های مثبتی روبه رو شد. خیلی ها از شهرهای مختلف پیام دادند و گفتند بعد از اجرای آن ها، دلشان هوای مشهد و زیارت حرم کرده است. برای هنرمندی مثل سعید احمد، این باز خورد ها ارزشش از هر مقام و تقدیری بیشتر است.

چند ماه قبل هم در برنامه «شب شرقی» از شبکه خراسان، گروه روی آنتن زنده اجرا داشت و با اجرای چند موسیقی و آواز محلی، دل مخاطبان بسیاری را برد. او می گوید: این اجراها باعث شده مردم بیشتر با موسیقی محلی خراسانی آشنا بشوند. ما خوشحالیم که توانستیم صدا و فرهنگمان را به گوش آدم های بیشتری برسانیم.



نیکو عقیده | چند سال پیش که برای اولین بار با سعید احمد سرکوهی گفت و گو کردیم، تعداد مقام ها و اجراهایش به اندازه امروز نبود. حالا اما دیوارهای خانه اش پر شده از لوح های تقدیر، عکس های اجرا و یادگاری هایی که هر کدام، قصه یکی از شب های دوتارنوازی اش را روایت می کنند. هنرمندی که از سرخس آمده، سال ۱۳۷۴ اولین دوتارش را خریده و حالا سال هاست که با گروه «ساریکا» روی صحنه می درخشد. از اجرای تلویزیونی در شبکه های مختلف طی همین یکی دو سال گذشته، گرفته تانقش آفرینی در مستندی که به تازگی قرار است پخش شود. در گفت و گویی کوتاه، سراغی از کارهای جدیدش گرفتیم.

● اجرای آنتن زنده تلویزیون

گروه «ساریکا»، هنوز همان گروه چند سال پیش است؛ با همان نوازنده ها و خواننده های اصلی. گاهی چهره های تازه ای برای اجراهای خاص به آن ها می پیوندند، اما هسته اصلی گروه تغییر نکرده است. بینشان دوستی محکمی هست، مثل ریشه های درختی که سال ها کنار هم رشد کرده اند. سعید احمد می گوید: حالا بیشتر شناخته شده ایم. پیشنهاد برای اجرا بیشتر شده است. به خصوص از شبکه های تلویزیونی. وقتی مردم با موسیقی ما ارتباط می گیرند، انگیزه ما هم برای ادامه دادن بیشتر می شود. آخرین اجرای گروه شان، بهمن ماه

دانش آموز ممتاز رشته مکانیک هنرستان ابتکار فقط به تئوری بسنده نکرده است

به عمل کار برآید

● فکر می کنی چه زمانی به آرزویت

می رسی؟

شاید تا بیست سال بعد.

● اگر در مدرسه دیگری درس می خواندی،

باز هم موفق می شدی؟

شاید؛ اما در این المپیاد، به هر مدرسه ای در هر نقطه شهر که رفتم، امکانات مدرسه ما را نداشتم. موتور و ابزار کارگاه ما کامل است. معلم ها، سرپرست کارگاه و مدیران هر چه لازم و ابزار نیاز بوده تهیه کرده اند تا بچه ها با آن ها کار کنند و مسلط شوند. معلم آقای رسول رجبی خیلی وقت گذاشت و تا لحظه آخر قبل از مسابقات همراهم بود و الا آن هم هست؛ همچنین مدیر مدرسه، آقای سید ابراهیم حسینی نژاد خیلی پیگیر پیشرفت و موفقیت من بود.

● به نظر تو با رشد سریع فناوری، آموزش های مکانیک در هنرستان ها قادی می و نا کارآمد نمی شوند؟

درست است که خودروها هر روز پیچیده تر می شوند اما اساس کار همین است که آموزش می بینیم. ماهیت قطعات عوض نمی شود و آموزشی که دیدیم همیشه کاربردی است.

● حتی اگر روزی خودروهای برقی و سوخت ترکیبی وارد بازار شوند، باز هم به مکانیک نیاز است؟

خودرو از ابتدای ساخته شدن تا حالا همیشه در حال تغییر و تحول بوده و همیشه به کاربر انسانی برای تعمیر و نگهداری نیاز دارد. لازم است که درباره فناوری های جدید بخوانم و بدانم تا از کارشان سر در بیاورم. البته نظر شخصی من این است که خودروهای سوخت فسیلی هیچ وقت کاملاً کنار گذاشته نمی شوند.



● دوم شدن در المپیاد چه

درسی داشت؟

اینکه بیشتر تلاش کنم و در ادامه زندگی آن قدر فاصله کیفیت کارم با رقبایم بیشتر کنم تا به نتیجه دلخواه برسم.

● چند ماه دیگر که فارغ التحصیل شدی، سراغ بازار کار می روی یا دانشگاه؟

می خواهم در رشته مکانیک تحصیل کنم و وارد دانشگاه شوم.

● آرزوی نهایی ات چیست؟

اینکه یک شرکت خودروسازی تأسیس کنم و بهترین و باکیفیت ترین خودروها را به دست مردم برسانم.

عطائی | دانش آموز رشته مکانیک و برق خودرو هنرستان ابتکار محله مهرآباد، روزهای آخر تحصیلش در هنرستان را می گذراند و این سال را پرهیاهو پشت سر گذاشته است.

محمد مرتضی بخشی امسال در چندین آزمون ورودی المپیاد شایستگی محور مکانیک خودرو شرکت کرد و پس از منتخب شدن میان دیگر دانش آموزان مدرسه به مرحله ناحیه ای رفت. او پس از راه یافتن به مرحله منطقه ای با کسب جایگاه دوم از صعود به مرحله استانی جاماند. اما همین نتیجه، نوجوان محله مهرآباد را بیشتر از پیش مصمم کرده است که در مسیر موفقیت پیش برود.

● کی به رشته مکانیک علاقه مند شدی؟

شاید حدود ده سالگی ام بود که فهمیدم بیشتر از هر چیزی دوست دارم درباره خودرو و موتورش بدانم. اسباب بازی هایم را قطعه قطعه باز و دوباره سرهم می کردم و لذت می بردم.

● در مدرسه و آموزش های رشته تحصیلی ات

هم همین حس را داری؟

هر چیزی که می فهمم و انجام دادنش را یاد می گیرم، برایم لذت بخش است.

● ظاهراً کار هم می کنی.

حدود یک سالی می شود که در مغازه ای مشغول هستم تا به صورت عملی کارم را یاد بگیرم.

